

غدیر از منظر شعر آیینی عراق

معصومه نعمتی قزوینی*

رعنا عبدی**

چکیده

شعر آیینی تجلی ارزش‌های ملی-میهنی و یا ارزش‌های دینی و مذهبی است. آنچه امروز به عنوان شعر آیینی شناخته می‌شود، بیشتر تجلی‌گاه ارزش‌های دینی و مذهبی چون توحیدیه‌ها، مناجات‌نامه‌ها، اشعار عرفانی و به‌ویژه اشعاری در مدح و رثای اهل‌بیت(ع) است. واقعه غدیر یکی از مهم‌ترین مضامین اشعار آیینی در طول تاریخ به‌ویژه در میان شاعران شیعی است. شیخ احمد وائلی، آیت‌الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی، سیدرضا موسوی هندی و عبدالمحسن ابوالحب جملگی از عالمان دینی عراق‌اند که در کنار علوم دینی در شعر نیز طبع آزمایی کرده‌اند. مجموعه اشعار این شاعران سرشار از چکامه‌هایی در مدح یا رثای اهل‌بیت(ع) است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف معرفی شاعران آیینی عراق و نیز تبیین نقش شعر آیینی این سرزمین در تثبیت و ترویج رویداد غدیر و سیره علوی، اشعار شاعران برگزیده را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان دهنده این است که مهم‌ترین محور محتوایی غدیریه این شعران، تبیین جایگاه برجسته امام‌علی(ع) و بیان اوصاف و فضایل آن حضرت است که خود می‌تواند قوی‌ترین استدلال برای اثبات حقانیت وی در تصدی مقام خلافت و جانشینی رسول خدا(ص) باشد.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، غدیر، شعر آیینی، شعر عراق.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
m.nemati@ihcs.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد، زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
r707070a@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

۱. مقدمه

رویداد غدیر، از روزی که پیامبر اسلام(ص)، امام علی(ع) را به جانشینی خود برگزید، مورد بحث و انتقادات فراوان قرار گرفت. درست است که همه حاضران در آن روز و در حضور شخص پیامبر(ص)، با حضرت علی(ع) پیمان بستند و کسی در پاسخ به سوالات پیامبر(ص) اظهار مخالفتی نکرد، اما از همان روز دشمنی‌های تازه‌ای با آن حضرت شکل گرفته و در نهایت سبب شد پس از اندک زمانی، رویدادی مهم را به بوتۀ فراموشی سپرده و درصدد انکارش برآیند. در مقابل از همان زمان تاکنون، کسانی هم بوده‌اند که با ایمان به حقانیت امام(ع) در جانشینی رسول خدا(ص)، از راه‌های گوناگون به روشنگری و دفاع از ایشان پرداخته‌اند. در این میان شعر، یکی از ابزارهای مهم و اثرگذار برای مدافعان اهل بیت(ع) بوده است. در این پژوهش، غدیریه چهارتن از چهره‌های دینی و ادبی عراق - سید رضا موسوی هندی [۱]، عبدالمحسن ابوالحب [۲]، شیخ احمد وائلی [۳] و آیه الله گلپایگانی [۴] - با روشی توصیفی - تحلیلی و با هدف تعیین نقش شعر آیینی معاصر عراق در تثبیت و ترویج رویداد غدیر و نیز تبیین هرچه بیشتر سیما و سیره علوی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۱.۱. سوالات تحقیق

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. روش شاعران برگزیده در تبیین رویداد غدیر و اثبات حقانیت امام علی(ع) چه بوده است؟
۲. مهم‌ترین محورهای محتوایی اشعار برگزیده کدام است؟
۳. اشعار برگزیده از جهت ویژگیهای ادبی چگونه است؟

۲.۱. پیشینه پژوهش

کارهای انجام‌شده در این زمینه را می‌توان در دو بخش موردبررسی قرارداد.

۱.۲.۱ در مورد غدیر

غدیر در آیینة شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۲۱

پیش از این در زمینه غدیریه سرایی در ادبیات عربی پژوهش‌هایی صورت گرفته است که عبارتند از:

- شیروی خوزانی، مصطفی (۱۳۸۱ش/زمستان): «بازتاب زندگی علی(ع) و صفات بی‌بدیل ایشان در اشعار عربی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۴، صفحات ۳۲۳-۳۳۸. در این مقاله همه حوادث تاریخی و سیاسی زمان حضرت علی(ع) و ویژگی‌هایی که به خاطر آن‌ها از دیگران متمایز می‌شوند در اشعار چند شاعر عرب مورد بررسی قرار گرفته است که از میان شاعران مورد تحقیق، تنها اشاراتی به شعرهای وائلی دارد.

- شیخ الرئیس کرمانی، محمد (۱۳۸۷ش/تابستان): «دفاع شعرای شیعه از حریم تشیع در عصر اول عباسی»، فصلنامه علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۱۰، صفحات ۱۱۹-۱۴۰. نویسنده در این مقاله به صورت مختصر به شاعرانی چون سید حمیری و دعبل خزاعی اشاره کرده است که شاعران عصر عباسی اند و در جریان مبارزه با عباسیان، به سرودن شعر در مورد فضایل حضرت علی(ع) و یادآوری واقعه غدیر در قالب آن پرداخته‌اند.

- شمس الدینی، اعظم و کبری خسروی (۱۳۹۰ش/پاییز): «بررسی تطبیقی غدیریه‌های فارسی و عربی، مطالعه مورد پژوهانه: غدیریه‌های شهریار و بولس سلامه»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره ۳، صفحات ۱۲۷-۱۵۴. در این پژوهش، شعر غدیر از دو شاعر پارسی و لبنانی یعنی شهریار و بولس سلامه مورد بررسی قرار گرفته است.

- امین مقدسی، ابوالحسن و اعظم شمس الدینی (۱۳۹۵ش/بهار و تابستان): «نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی»، مجله پژوهش‌نامه علوی، سال هفتم، شماره ۱، صفحات ۱-۲۳. در این مقاله به جز غدیریه بولس سلامه، دیگر شعرها از دوره‌های گذشته تاریخ ادبیات عربی انتخاب شده‌اند.

۲.۲.۱ در مورد شاعران این پژوهش

- زینی‌وند، تورج و کامران سلیمانی (۱۳۹۰ش/پاییز و زمستان): «بررسی توصیفی-تحلیلی سیمای امام حسین(ع) در شعر دینی احمد وائلی»، مجله نقد معاصر عربی،

- سال دوم، شماره ۱، صفحات ۱۷۳-۲۰۲: شاعر مورد پژوهش احمد وائلی است اما موضوع، بررسی سیمای امام حسین (ع) در اشعار اوست.
- زینی‌وند، تورج و کامران سلیمانی (۱۳۹۱ش/زمستان): «نقد بینامتنی قرآنی در شعر دینی احمد وائلی»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شماره ۵، صفحات ۱۴۳-۱۶۰: در این مقاله نیز شعر دینی وائلی از منظر بینامتنی قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است.
- سلیمانی، کامران و تورج زینی‌وند (۱۳۹۲ش/بهار و تابستان): «درآمدی توصیفی-تحلیلی بر شعر دینی احمد وائلی»، مجله ادب عربی، سال پنجم، شماره ۱، صفحات ۱۰۵-۱۲۴: در بررسی شعرهای دینی وائلی، در صفحه ۱۰۹ به طور مختصر به بیان فضایل علی (ع) در شعر وائلی هم اشاره‌ای شده است.
- پاشا زانوس، احمد؛ هادی علی‌پور لیافویی (۱۳۹۲ش/تابستان): «سیمای اصحاب کسا در آیین اشعار شیخ احمد وائلی»، مجله لسان مبین، سال چهارم، شماره ۱۲، صفحات ۲۴-۴۸: در بخش‌هایی از این مقاله، برخی ابیات غدیریۀ وائلی شرح شده است.
- سلیمانی، کامران و دیگران (۱۳۹۳ش/پاییز و زمستان): «بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر دینی احمد وائلی»، مجله ادبیات پایداری، سال ششم، شماره ۱۱، صفحات ۱۳۱-۱۵۴: در این پژوهش که پیرامون اشعار پایداری وائلی است، اشاره‌ای به غدیریۀ وائلی نشده است.
- جدوع حنون، عاید و صلاح جباری شناوۀ العبودی (۲۰۱۶م): «السلام الحجاجیة فی شعر أحمد الوائلی»، مجله اوروک، شماره ۲، جلد ۹، صفحات ۷۹-۹۶: در این مقاله مراتب دلیل‌آوری وائلی در شعرهایش مورد بررسی قرار گرفته است که آن‌ها را از ضعیف به قوی مورد ارزیابی قرار داده است. در این پژوهش به غدیریۀ وائلی اشاره‌ای نشده است.
- محمود سلمان، عبدالمطلب و غانم نجیب عباس (بی تا): «الشیخ الدكتور احمد الوائلی... حیاة و همومہ من خلال اشعاره»، مجله دانشگاه المثنی، بدون سال نشر، بدون شماره، صفحات ۱-۱۶: در این پژوهش که به بررسی مراحل زندگی وائلی با تکیه بر اشعارش پرداخته شده، غدیریۀ او مورد بررسی قرار گرفته است.

- کاظم المصلاوی، علی و کریمه نوماس المدنی (بی تا): «دیوان الشیخ محسن ابوالحب الکبیر: دراسة فی الموضوع الشعری»، مجله دانشگاه کربلا: اهل البیت، بدون سال نشر، شماره ۷، صفحات ۴۲-۷۰: در این مقاله غدیریۀ شاعر مورد بررسی قرارنگرفته است.
- ولی پور، آمنه (۱۳۹۲ش/تیر): بررسی سبک شناسی شعر دینی سیدرضا موسوی هندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمان: دسترسی به این رساله برای نگارنده ممکن نبوده اما بر طبق فهرست آن که قابل دسترس است، تنها در صفحه ۴۰ (در حد یک صفحه) به غدیریۀ سیدرضا موسوی اشاره شده است.

۲. تحلیل اشعار برگزیده

۱.۲ آغاز غدیریۀها

گلپایگانی غدیریۀ خود را با مقدمه‌ای عارفانه و به شکل مناجاتی همراه با استغفارطلبی آغاز می‌کند. این روند با پرداختن به رویداد غدیر ادامه می‌یابد و با همین سبک نیز به پایان می‌رسد. سیدرضا موسوی نیز غدیریۀ خود را با طرح سؤالاتی آغاز می‌کند که توقع پاسخگویی مخاطب بدان را ندارد. زیرا، خود بهترین پاسخ‌ها را دارد و از مخاطب هم می‌خواهد تا وقتی چنین برهان قاطعی در اختیار دارد، از روی آوردن به پاسخ‌های احتمالی ضعیف بپرهیزد. غدیریۀ سیدرضا موسوی تا پایان درصدد تبیین بهترین پاسخ‌هایی است که مخاطب را به اندیشیدن و برگزیدن بهترین راه حل فرامی‌خواند. غدیریۀ وائلی هم که طولانی‌ترین قصیده میان این چهار غدیریۀ است، می‌تواند جمعی میان حالت عرفانی گلپایگانی و دلیل‌آوری‌های سیدرضا موسوی به‌شمار رود که مقدمه‌ای مفصل‌تر دارد و با ورود به اصل موضوع و علنی‌ساختن بحث مورد نظر خود، به تدریج به معرفی امام علی(ع) و فضیلت‌های ایشان می‌پردازد و با استفاده از آرایه‌های التفات، از غایب به مخاطب گذر کرده و به‌طور صریح شخص علی(ع) را مورد مدح و ستایش خود قرار می‌دهد تا در پایان غدیریۀ، به اوج آرزوی خود برای وصل شدن به امام علی(ع) و نجات یافتن دست‌یازد. غدیریۀ ابوالحب نیز با توصیه به مخاطب برای یاری‌جستن از علی(ع) آغاز شده و از ابتدا مخاطب محور است. در ضمن قصیده، ویژگی‌ها و برتری‌های امام علی(ع) -از نظر شاعر- مورد بررسی قرار می‌گیرد و این روند تا پایان ادامه می‌یابد.

۲.۲ اشاره به حوادث تاریخی

اشاره به حوادث تاریخی یکی از روشهای شاعران در اثبات حقانیت امام (ع) است. ذکر رویدادهای مهمی مانند میلاد امام علی (ع) در خانه کعبه، ویرانی بت‌های کعبه توسط امام (ع) بعد از فتح مکه، رویداد لیلۃ المبیت و حادثه غدیر خم از این جمله اند.

۱.۲.۲ میلاد علی (ع) در خانه کعبه و ویرانی بت‌های آن توسط امام (ع)

وائلی با پرداختن به ماجرای شگفت و بی مانند میلاد علی (ع) در خانه کعبه، بر مقام و منزلت وی تاکید کرده است، زیرا که در تاریخ به هیچ وجه اتفاق نیفتاده است. وائلی، در آغاز، جهانی قحطی زده را به تصویر می کشد که با میلاد علی (ع)، حتی از صخره سخت هم گیاه می روید. سپس کعبه را وصف می کند که مظاهر شرک و بت‌ها از دیوارهایش آویخته شده بود و بر آن سنگینی می کرد تا اینکه با تولد فرزندی والا مقام، کعبه از این سنگینی‌ها راحت شده و بت‌هایش درهم شکست و نجات یافت. در واقع شاعر حادثه شکستن بت‌های کعبه پس از فتح مکه به دست امام علی (ع) را که سال‌ها پس از میلاد وی رخ داده را به زمان میلاد ایشان آورده و در واقع میلاد آن حضرت را به منزله پایان دوران بت پرستی در مکه قلمداد کرده است:

أَطْلَ وَالْكَوْنُ وَالْأَيَّامُ مُجْدِبَةٌ
فَبَرَعَمَ النَّبْتُ حَتَّى فِي الْجَلَامِيدِ
فَكَيْفَ ...
وَالْبَيْتُ وَالْكَعْبَةُ الْعَرَاءُ مُثَقَّلَةٌ
وَاقِعٌ لِلْهَوَى وَالْجَهْلِ مَشْدُودِ
حَتَّى أَفَاضَ بِهَا النُّعْمَى وَأَكْرَمَهَا
رَبُّ السَّمَاءِ وَأَعْلَاهَا بِمَوْلُودِ
فَحَطَّ أَصْنَامَهَا عَنْهَا وَقَامَ بِهَا
عَنِ التَّرْدَى بِأَوْحَالِ التَّقَالِيدِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۳ و ۶۴)

وائلی در این ابیات «به تالو انواری اشاره می کند که عالم هستی را تجلی بخشیده و با ظهور مولودی مبارک، ظلمت و تاریکی‌ها و جهل را درهم نوردیده است. رویدن گیاهان در

غدیر در آیینة شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۲۵

صخره‌ها- که نماد حرکت و حیات است- نیز می‌تواند بشارتی باشد برای شادی و سرور کعبه که از میلاد علی(ع) در اندرون خود احساس می‌کند. وی در پایان ابیات ولادت علی(ع) را مساوی شکستن بت‌ها دانسته است.» (پاشا زانوس، ۱۳۹۲ش: ۳۴)

۲.۲.۲ رویداد لیلۃ المبیت

گفته شده

همین که سران قریش دانستند پایگاهی تازه برای نشر دعوت اسلام آماده شده است خطر را بیشتر احساس کردند و برای یافتن راهی مناسب در دارالندوة جلسه‌ای تشکیل دادند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که از هر قبیله‌ای جوانی آماده شود تا شبانه و دسته جمعی بر پیامبر(ص) هجوم برده و او را بکشند. از آن سو جبرئیل بر پیغمبر(ص) نازل شد و توطئه‌ی مشرکین را در ضمن آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی انفال (وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ) [۵] به اطلاع آن حضرت رسانید. رسول خدا(ص) علی(ع) را جانشین خود ساخت تا در بسترش بخوابد. (پیشوایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷)

این واقعه به باور شاعر دلیل دیگری برای شایستگی خلافت برای امام(ع) است؛ زیرا آن هنگام که قریشیان برای جان پیامبر(ص) توطئه کرده بودند تنها امام(ع) بود که خطرها را به‌جان خرید و برای نجات جان رسول خدا(ص) در بسترش آرامید.

موسوی در غدیریة خود، زمانی را به مخاطب یادآوری می‌کند که دین کامل شد و اساس‌هایش ساخته و دیوارهایش محکم شد و شب هجرت پیامبر(ص) فرارسید و حضرت «با خرسندی» پذیرفت که در بستر پیغمبر(ص) بخوابد، بدون اینکه از کینه دشمنان و کشته شدن خود واهمه‌ای داشته باشد (ر.ک: طبری، ۱۳۶۳ش، ج ۳: ۹۱۳-۹۰۸):

وَلَمَّا اسْتَمَّ الدِّينَ أَوْفَى نِصَابِهِ
وَشَبِدَتِ مَبَانِيهِ وَأَحْكَمَ سَوْرَهُ
رَفَدَتْ قَرِيرَ الْعَيْنِ لَسْتُ بِحَافِلٍ
حَقْدِ أَخِي حَقْدِ عَلَيْكَ يَشِيرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

۳.۲.۲ اعلام جانشینی امام علی(ع) توسط پیامبر(ص)

ابوالحب در غدیریه خود به شیوه اعلام جانشینی امام علی(ع) بعد از رسول خدا پرداخته است. او در این باره به دو نکته دقیق اشاره داشته است. اول، اینکه رسول خدا(ص) دست امام(ع) را بالا برده و او را جانشین خود معرفی کرده است. دوم، به حدیث معروف «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» اشاره کرده است:

غَدَاةَ رَقِيٍّ آخِذَا كَفَّهُ

بِنَادِي بَصَوْتِ عَلِيٍّ جَهْبِيرٍ

أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ لَهُ

فَمَوْلَاهُ هَذَا أَخِي وَالنَّصِيرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

۴.۲.۲ پیمان بستن مردم با حضرت علی(ع) در روز غدیر

ابوالحب در غدیریه خود از پیمان بستن سیل جمعیت در آن روز با امام(ع) یاد کرده است. بیعتی که همانند آن در تاریخ برای کسی رخ نداده است؛ زیرا این بیعت، در واقع پیمانی برای جانشینی رسول خدا(ص) بود:

لَقَدْ خَصَّهَ الْمُصْطَفَى فِي الْغَدِيرِ لَهُ بَيْعَةٌ مَا لَهَا مِنْ نَظِيرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

۳.۲ لزوم پیروی از علی(ع)

ابوالحب در غدیریه خود، مزایای رهبری امام(ع) را برای امت اسلامی بر شمرده است. او معتقد است که پذیرش رهبری علی(ع) که در روز غدیر ابلاغ شد، سعادت امت را در پی دارد و به برکت نظر پروردگار بر آنان، رستگار خواهند شد و در والاترین باغ‌های بهشتی به آسایش خواهند رسید و از زبانه‌های آتش جهنم امنیت خواهند یافت:

لَقَدْ سَعِدَتْ أُمَّةُ الْمُصْطَفَى

وَفَارَتْ بِفَضْلِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ

وَنَالَتْ نَعِيمًا بِأَعْلَى الْجَنَانِ

غدیر در آیینۀ شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۲۷

وَقَدْ أَمِنْتَ مِنْ حَرِيقِ السَّعِيرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

ابوالحب دوستدار، پناه‌برنده و زائر امام علی(ع) را، فردی آسوده‌خاطر می‌داند که ترسی از آتش دوزخ ندارد؛ در امان است؛ امام(ع) او را کفایت می‌کند و همه خواسته‌هایش را برآورده می‌سازد:

فَكَيْفَ يَخَافُ مُجِبُ الْوَصِيِّ

مِنَ النَّارِ وَهُوَ بِهِ مُسْتَجِيرٌ

وَهَلْ خَابَ مَنْ جَاءَهُ زَائِرًا

إِذَا مَا أَتَاهُ بِقَلْبِ حَسِيرٍ

وَيَكْفِيهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَمٌّ

وَيَقْضِي لَهُ كُلُّ أَمْرٍ عَسِيرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

هرچند این اشعار نشان از عمق ارادت شاعر به امام(ع) است اما در واقع با حقیقت و جوهره دین مبین اسلام که برپایه ایمان و عمل صالح شکل گرفته، چندان سازگار نیست. زیرا بنابر آموزه‌های دینی، تنها دوست داشتن اهل بیت(ع) نمی‌تواند مایه سعادت اخروی فرد باشد بلکه هرگاه ارادت با پیروی همراه شود می‌تواند کارگشا باشد.

این دست اشعار مانند شطحیات عرفانی است که حالتی متناقض نما دارد و گاه به ظاهر رنگ و بوی شوریدگی بر شریعت و دین را با خود دارد. (پروینی واحمدزاده، ۱۳۹۵: ۱۵۹) در علم معنائشناسی شطح به مفهوم تجاوز هنری به تابوها است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۴۳۷) در شعر ابوالحب نیز کفایت‌کنندگی خداوند به امام علی(ع) نسبت داده شده که البته منظور شاعر تنها اغراق در شأن آن حضرت و بیان عمق ارادت خود به ایشان بوده است.

۴.۲ طلب یاری از امام علی(ع)

سیدرضا موسوی با استفاده از طرح سوال و پاسخگویی به آن تلاش کرده‌است در راستای یاری‌جستن از امام علی(ع) گام بردارد. او ابتدا از مخاطب می‌خواهد که از زمین بی‌آب و تشنه بپرسد مقصدش کجاست؟ چرا که باغ‌های هدایت و برکت آن نزد امام علی(ع) و

یارانش است و از راه‌گم‌کرده در تاریکی بپرسد چرا این قدر سرگردان است؟ آیا هرگز نور نمایان و فراگیر هدایت را ندیده‌است؟ موسوی، علی(ع) را مایه هدایت و نجات از گمراهی معرفی می‌کند و از اینکه عده‌ای آن را درک‌نکرده‌اند اظهار تعجب می‌کند و آنان را به یاری طلبی از حضرت فرامی‌خواند:

سَلِّ الْمَجْدَبِ الظَّمَانَ أَيْنَ مَصِيرُهُ
وَهَا عِنْدَنَا رَوْضُ الْهُدَى وَغَدِيرُهُ
وَسَلِّ خَابِطَ الظُّلَمَاءِ كَمْ هُوَ تَائِبُهُ
أَلَمْ يَرِ بَدْرَ الرُّشْدِ يَسْطَعُ نُورُهُ؟

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

ابوالحب نیز _ البته با نگاهی تقریباً سطحی و صرفاً جهت ایجاد انگیزش‌های هیجانی _ مخاطب خود را به یاری خواهی از امام علی(ع) سفارش کرده و دیدار او را باعث به‌دست آوردن خیر بسیار، رسیدن به آرزوها و پاداشی بزرگ دانسته‌است:

تَمَسَّكَ بِصَاحِبِ يَوْمِ الْغَدِيرِ
وَرُزَّهُ لِنَحْطِي بِخَيْرٍ كَثِيرٍ
وَتَسَعِدُ مِنْهُ بَنِيْلَ الْمُئِنِي
وَأَعْلَى ثَوَابٍ وَأَجْرٍ كَبِيرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

گلپایگانی آستان امام(ع) را پناهگاهی امن می‌داند که در هنگامه دشواریها می‌تواند بدان پناه برد:

هُوَ كَهْفِي إِلَيْهِ تَلَجَأُ رُوحِي حِينَ يَقْوَى كَهْفِي وَيَنْهَدُ رُكْنِي

(www.shahroudi.com)

وائلی نیز ضمن استفاده از آیه ۴۴ سوره هود (وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ ۖ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) [۶] از امام(ع) می‌خواهد که کشتی سرگردان وجودش را که بازیچه امواج قرار گرفته؛ به ساحل امن جودی هدایت کند:

غدیر در آیینۀ شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۲۹

سَفِينَتِي لُعْبَةُ الْأَمْوَاجِ فَاهْدِ بِهَا أَنْ تَسْتَوِيَ بِنَهَائِيَاتِ عَلِيِّ الْجُودِي

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۷)

۵.۲ یادآوری جایگاه والای امام علی(ع)

اشاره به جایگاه برجسته امام علی(ع) مهم ترین محوری است که شاعران عراقی بر آن تاکید داشته اند. بدین معنا که جایگاه ممتاز آن حضرت از نظر شاعران، قوی ترین استدلالی است که می توان در برابر منکران غدیر مطرح ساخت. بر این اساس بخش قابل توجهی از حجم اشعار به همین موضوع اختصاص یافته است.

۱.۵.۲ روابط خویشاوندی امام علی(ع) با پیامبر(ص)

داشتن رابطه خویشاوندی با رسول خدا(ص) یکی از اسباب تمایز جایگاه امام(ع) از دیگران است. ابوالحب در ضمن اشعار خود به جانشینی پیامبر(ص) و روابط خویشاوندی امام علی(ع) با پیامبر(ص) اشاره کرده و داماد پیامبر(ص) بودن، همسر حضرت زهرا(س) بودن و پدر امام حسن(ع) بودن را از ملاک های شایستگی امام علی(ع) برای جانشینی پیامبر(ص) بر شمرده است:

وَوَلَّفَ حَوْلَ قَبْرِ بِهِ الْمَرْضَى
وَصَى النَّبِيَّ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ
وَصَهْرَ الرَّسُولِ وَزَوْجَ الْبِتُولِ
أَبِ الْمَجْتَبَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

۲.۵.۲ روابط غیرخویشاوندی امام(ع) با رسول خدا(ص)

موسوی با قسم و تاکید بیان می کند که مطابق حدیث نبوی «أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (بخاری، ۱۳۹۲ش، ج ۴: ۲۶۴) یا به روایت دیگر: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (مسلم ابن الحجاج، بی تا، ج ۷: ۱۲۰) علی(ع)، برادر و یار و وزیر پیامبر(ص) است:

أَبَا حَسَنِ تَاللَّهِ أَنْتَ لِأَحْمَدَ أَخُوهُ وَقَاضِي دِينُهُ وَوَزِيرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

ابوالحب هم که در شعر خود سعی در اثبات حق علی(ع) با تکیه بر فرمایشات شخص پیامبر(ص) دارد، به طور غیرمستقیم به پیمان برادری پیامبر(ص) و امام علی(ع) اشاره کرده است:

أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً لَهُ فَمَوْلَاهُ هَذَا أَخِي وَالنَّصِيرِ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

او در جای دیگری حضرت علی(ع) را برگزیده پروردگار از میان آفریدگانش معرفی کرده است که برای بهترین پیامبران، حکم وزیر را دارد:

قَدْ اخْتَارَهُ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ لِخَيْرِ النَّبِيِّينَ خَيْرِ وَزِيرِ

/ ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

شاعر در این بیت تاکید کرده است که خداوند، امام علی(ع) را به عنوان وزیر رسول خدا(ص) برگزیده است.

گلپایگانی جان حضرت را محو در عشق به پروردگار می‌داند و معتقد است که نمی‌توان ارزش وجودی چنین شخصی را با پیمان و میزان سنجید. وی در ادامه، امام(ع) را «صینو» (به معنای برادر یا بدیل) پیامبر(ص) معرفی کرده و معتقد است که قیاس امام(ع) به عنوان برادر رسول خدا(ص) با کسی دیگر از انصاف به دور است:

إِنَّ مَنْ ذَابَ فِي الْإِلَهِ فَلَا يَمُكُّ ن تُحْدِيْدُهُ بِكَيْلٍ وَوَزْنِ

صنو طه، ومن غذا صنو طه فمَنْ الظلم أن يقاس بقرن

(www.shahroudi.com)

۳.۵.۲ جایگاه ویژه امام(ع) در آیات و احادیث

موسوی، حضرت علی(ع) را از طرف پروردگار صاحب اختیارات و امتیازاتی می‌داند که از شایستگی‌های او حکایت می‌کند. برای نمونه گذر از پل صراط را منوط به اجازه امام علی(ع) می‌داند. شاعر در این ابیات از حدیث «لَا يَجُوزُ أَحَدٌ الصَّرَاطَ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلِيٌّ»

غدیر در آیینة شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۳۱

الجواز» (تنها کسی که علی(ع) برایش جواز عبور از صراط را نوشته باشد، می تواند از پل صراط بگذرد.) (طبری مکی، ۱۳۵۶ق : ۷۱) اقتباس کرده است:

وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَعِنْدَكَ الْـ جَوَازُ فَمَنْ تَمَنَحَهُ جَازَ عُبُورَهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

یا در جای دیگری امام علی(ع) را تقسیم کننده افراد برای سوختن در آتش دوزخ یا برای پناه یافتن از زبانه های آن معرفی می کند که خود این مطلب برگرفته از این حدیث علوی است: «أَنَا قَسِيمُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (من در روز قیامت تقسیم کننده آتش خواهم بود.) (ابن عساکر، ۱۹۹۶م، ج ۴۲: ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۹۷۱م، ج ۳، ۱۹۵؛ «أَنَا قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ» (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۴۹۶)

وَأَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ قَسِمٌ تَجِيرُهُ عَلَيْهَا، وَقَسِمٌ مِنْ لَظَاهَا تَجِيرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

وائلی هم با اقتباس از آیه ۶۱ سوره آل عمران یا همان آیه مباهله (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَلِمْهُمْ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) [۷] وجود امام(ع) را نفس رسول خدا(ص) دانسته و از این جهت او را همانند رسول خدا(ص) والاترین و ارزشمندترین مخلوقات بر می شمرد. در این آیه طبق روایت های معتبر از شیعه و سنی، منظور از «أَنْفُسَكُمْ» حضرت علی(ع) است. (مرعشی تستری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، صص: ۴۶، ۵۵، ۶۰، ۶۶؛ ج ۹: ۷۶، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷؛ ج ۱۴: ۱۳۷-۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷ و ۱۴۸):

وَأَنْتَ نَفْسُ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ بِلَا مِرَاءٍ أَتَمُّ مَخْلُوقٍ وَمَوْجُودٍ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۵)

۴.۵.۲ اشاره به اوصاف برجسته امام علی(ع)

وائلی که در شعر خود برتری های امام را مورد توجه قرار داده و او را «صاحب درک و فهمی بی نهایت می داند که اندیشه ها در ابتدا از شناخت او ناتوانند، اما زمانی که نشانه ای از وی می یابند، بر جایگاه وی تاکید می ورزند» (سلیمانی، ۱۳۹۲ش: ۱۰۹):

سَجِيَّةٌ فِي عَلِيٍّ أَنْ مَوْقِعَهُ

مِنَ الشُّعُورِ حُضُورٌ غَيْرُ مَفْقُودٍ
يَمَّمْتُهُ أَجْتَلِيهِ فَانْتَهَيْتُ إِلَى
طَلَعِ مِنَ النَّجْمِ فِي مَعْنَاهُ مَنْصُودٍ
يَا مَنْ إِذَا شَدَّ ذَهْنَ عَنْهُ نَبَهُهُ
وَمَضَّ قَبْدَلٌ مِنْ نَفْيٍ لِتَأْكِيدِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۳)

وی با استفاده از کنیه حضرت علی(ع)، ابوتراب، وی را مظهر حاصلخیزی و برکت و سرسبزی معرفی کرده است. شاعر برخی خاک‌ها که بر آن حکم رانده می‌شود را شوره‌زار دانسته اما خاک حضرت علی(ع) را شیرین و سرسبز و باطراوت دانسته است (پاشا زانوس، ۱۳۹۲: ۳۳) که گویی بدین وسیله، عنصر وجودی امام علی(ع) را نیز برتر دانسته است:

أَبَا التُّرَابِ وَبَعْضُ التُّرْبِ يَحْكُمُهُ
سَبِيحٌ وَتُرْبُكَ حُلُوٌّ أَخْضَرُ الْعُودِ

(وائلی، ۲۰۰۷م: ۶۷)

شجاعت و رشادت امام (ع) نیز از اوصاف برجسته آن حضرت است. موسوی شمشیر امام را نابود کننده مشرکان و آشکار کننده حق می‌داند:

بِكَ الشَّرْكَ أَوْدَى خَيْلُهُ وَرَجَالُهُ
وَثَقَلَ قَرِيشٌ عَيْرُهُ وَتَفِيرُهُ
فَمَا زِلْتَ لِلْحَقِّ الْمُبِينِ تُبِينُهُ
وَبِالسَّيْفِ مَنْ يَبْغِيهِ سَوْأٌ تَبِيرُهُ
إِلَى أَنْ عَلَا هَامَ الْجِبَالِ مَنَارُهُ
وَأَشْرَقَ فِي كُلِّ الْجِهَاتِ مُنِيرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

موسوی به هوشیاری و نبوغ جنگی علی(ع) هم توجه داشته است که هیچ‌گاه در دلاوری از شخصی بازنمی‌ماند تا آنجا که اگر کسی کمر به قتل ناگهانی و ترور او ببندد، خود اوست که کشته خواهد شد. شاید بتوان نحوه شهادت امام علی(ع) را نیز گواهی بر این ادعا دانست؛

غدیر در آئینه شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۳۳

چراکه ابن ملجم هیچ‌گاه جز در حالت عبادت که علی(ع) را از توجه به هرچیز و هرکس غیر از خدا باز می‌داشت، توان رویارویی با حضرت(ع) را نداشت:

فَمَنْ جَاءَ مُعْتَالاً فَأَنْتَ تَمِيئُهُ وَمَنْ جَاءَ مُمْتَاراً فَأَنْتَ تَمِيرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۳)

یکی دیگر از زیبایی‌های شعر موسوی، اشاره بر نوع دیگری از دلاوری حضرت علی(ع) است که همان استفاده به‌جا از قدرت خود و کنترل آن و جایگزینی بردباری با خشونت و پرهیز از خشونت تا حد امکان است. شاعر معتقد است اگر حضرت علی(ع) بخواهد دشمن را به نیروی دست توانمندش داغدار کند، صدای واویلا و ناله حزن او همه‌جا طنین‌افکن خواهد شد و اگر روزی بخواهد با دست پر قدرتش بر کوهی بزرگ حمله‌برد، در این کار موفق خواهد بود اما از آنجاکه حلم شایسته‌تر از خشم است و تنها صبرپیشگان به مقام رضای الهی می‌رسند، حضرت هم پیوسته در طول حیات خود در برابر سختی‌ها صبر پیشه کرده است که این امر به‌طور کامل با روحیه صلح‌طلبی ایشان تناسب دارد:

وَلَوْ شِئْتَ أَتَكَلَّتِ الْعَدُوَّ بِنَفْسِهِ
فَأَصْبَحَ يَعْلُو وَيُلُهُ وَتَبُورُهُ
بِبَأْسٍ يَدِلُّ لَوْ صُلَّتْ يَوْمًا بِهَا عَلِيٌّ
تَبِيرٌ إِذَا لَانَكَ مِنْهَا تَبِيرُهُ
وَلَكِنْ رَأَيْتَ الصَّبْرَ أَحَجَى وَلَمْ يَنْلِ
ثَوَابَ مَقَامِ اللَّهِ إِلَّا صَبْرُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۴)

ابوالحب نیز در غدیریه خود از دلاوری‌های «شیر خدا» با شمشیر مشهورش «ذوالفقار» یاد کرده است:

بِذَاتِ الْفِقَارِ أَبَادَ الْعَدَى
وَرَدَّ الضَّلَالَ بِجَيْشِ كَبِيرٍ
...
وَكَمَ فِي الْحُرُوبِ لَهُ مَوْقِفٌ

بِهَا كَانِ يَسْطُو كَلِيْثَ هَـٰصُوْرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۷)

گلیپایگانی، امام (ع) را تجلی خداوند و دارنده قدرت الهی برشمرده است. پیش تر اشاره شد که گهگاه اشعار آیینی شاعران با صبغه های عرفانی درآمیخته شده و به شطحیاتی مبدل می شود که شاید به ظاهر با جوهره آموزه های دینی ناسازگار باشد. شاعر که خود از این امر آگاه است در ادامه شعر سعی کرده تا دامن اعتقاداتش را از شبهه شرک پاک کرده و عشق را متهم سازد. در واقع شاعر مدعی است که در مقام عشق به علی (ع) به جایی رسیده است که با خرد قابل درک نیست:

مَظْهَرُ اللهِ فِي الْوُجُوْدِ فَدَعْنِي
عَنْ سِوَاهُ بِاللّٰهِ يَا صَاحِبَ دَعْنِي
مَنْ لَهُ سُلْطَةُ الْاِلٰهَةِ اَتَرْجُو
غَيْرَ نِعْمَاهُ اَيْهَا الْمَتَمِّي
لَا تَقُلْ لِي: اَشْرَكَتْ، مِثْلِي فِي
التَّوْحِيْدِ، قَدْ جَلَّ عَقْلُهُ اَنْ يَشْنِي
يَبْدَأَنِي اَدْرَكَتْ فِي الْحُبِّ مَعْنِي
دَقَّ حَتَّى اِخْتَفَى عَلَيَّ كُلُّ ذِهْنٍ

(www.shahroudi.com)

گلیپایگانی در ابیات بعدی علاقه بی مرز خود را با استفاده از حدیث «أَيُّهَا النَّاسُ، سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي، فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي بِطُرُقِ الْأَرْضِ، قَبْلَ أَنْ تَشْغَرَ بِرَجْلِهَا فِتْنَةً تَطُّا فِي خِطَامِهَا، وَتَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا» (ای مردم! پیش از آنکه مرا نیابید، آنچه می خواهید از من پرسید، که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می شناسم. پرسید قبل از آنکه فتنه ها چونان شتری بی صاحب حرکت کند و مهار خود را پایمال نماید و مردم را بکوبد و بیازارد و عقل ها را سرگردان کند.) (خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه) چنین نشان می دهد:

وَالَّذِي قَالَ لِلْأَلُوفِ: سَلُونِي
جَلَّ شَأْنًا عَنْ كُلِّ قَدْرٍ وَشَأْنًا
فَهُوَ عَيْنُ الْاِلٰهَةِ يَسْتَوْعِبُ الْاَكْوَانَ

وَعِيَا فِي كُلِّ ظَهْرٍ وَبَطْنٍ

(www.shahroudi.com)

او در این ابیات نیز امام(ع) را همانند خداوند می داند که بر پیدا و پنهان امور آگاه است. شاید غدیریۀ گلپایگانی از بُعد عقیدتی محکوم شود اما از آنجا که بُعد ادبی در این پژوهش مطرح است، مخاطب، گلپایگانی را شاعری شوریده حال می یابد که برای عرض ارادت خود، حتی حاضر است چنین خطری را به جان بخرد.

۶.۲ امید به شفاعت امام علی(ع)

سیدرضا موسوی در شعرش، خود را مسلمانی امیدوار به شفاعت علی(ع) معرفی می کند و با اظهار فروتنی از وی می خواهد که گناهکاری چون او را با شفاعتش دریابد چراکه اگر حضرت علی(ع) کمکش نکند، یآوری ندارد و یاکمک به او از جانب غیر از آن حضرت، دشوار یا حتی ناممکن خواهد بود. سخن شاعر بیانگر این است که پذیرش ولایت حضرت علی(ع) از جانب شاعر، قوی ترین ابزار برای زدودن خطاها و گناهان وی است:

فَدَيْتُكَ أَدْرِكُ بِالشَّفَاعَةِ مُذْنِبًا
إِذَا أَنْتَ لَمْ تَنْصُرْهُ عَزَّ نَصِيرُهُ
وَلَا يُتُّهُ إِلَّا كَأَقْوَى وَسِيلَةٍ
سَيَمْحَى بِهَا تَقْصِيرُهُ وَقُصُورُهُ

(موسوی هندی، ۱۴۰۶ق: ۲۴)

ابوالحُب، امام(ع) را اندوخته و گنجینه پیروان آن حضرت(ع) برای روز قیامت وصف می کند و نتیجه کار را منتهی به او و پذیرش رهبری اش، و امید شفاعت خواستن مسلمانان و خواستن خیر و نیکی را (پس از خدا) بسته به او می داند و با تاکید بیان می کند که مسلمانان باید تمام امید و آرزوهای خود را بر دریایی از علم (وجود امام علی(ع)) ببندند:

إِمَامٌ عَرَفْنَاهُ دُخْرًا لَنَا
بِیَوْمِ الْجَزَاءِ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرِ
وَتَرَجَوْ شَفَاعَتَهُ فِي الْمَعَادِ
وَتَطَلَّبُ مِنْهُ الْعَطَاءَ الْكَثِيرِ

وَإِنَّا لَنَعْقُدُ آمَالِنَا
عَلَىٰ بَحْرِ عِلْمٍ خِضَمٍّ غَزِيرٍ

(ابوالحب، بی تا: ۱۰۸)

۳. تحلیل مقایسه‌ای اشعار شاعران

وصف امام علی (ع) در شعرهای این شاعران اگر دور از هم نباشد اما به‌طور کامل هم‌مانند نیست. حال اگر بتوان این تفاوت‌های جزئی را هم تشخیص داد، می‌توان با ارزیابی آن‌ها، عمق نگاه شاعران و احساسی یا استدلالی بودن شعر آنان را نیز دریافت.

امام علی (ع) در اشعار موسوی با اوصافی مانند باغ و برکه هدایت، ماه پر فروغ هدایت، ابا حسن (کنیه علی (ع))، برادر و قاضی دین و وزیر پیامبر (ص)، یاری‌گر پیغمبر (ص)، نفس پیامبر (ص) و همتای او، برطرف‌کننده مشکلات و اداره‌کننده کارها، نماینده امت‌ها، امیر و سرور مومنان، دست‌نیرومند خداوند، ریسمان محکم او و پشتیبان دین و فرستاده‌اش، راه مستقیم، اجازه‌دهنده عبور از صراط، نابودگر شرک و اهل آن، بیان‌کننده حق، هلاک‌کننده متجاوزان با شمشیر، دلاور و دلسوز، تقسیم‌کننده افراد برای سوختن در آتش یا نجات از آن، دلاور در بستر پیامبر (ص) خوابیده در شب هجرت، پردازنده به دین با تمام وجود و بی‌نیاز شدن، دلاور مسلط بر نفس و ترجیح‌دهنده صبر و نائل‌شده به مقام رضای الهی و شفاعت‌کننده توصیف‌شده است. همان‌طور که قابل مشاهده است، به‌صورت کلی می‌توان وصف‌های موسوی درباره علی (ع) را در سه محور کلی: تبیین جایگاه والای علی (ع)، نقش مهم وی در گسترش و تقویت دین اسلام و صفات پسندیده اخلاقی تقسیم‌بندی کرد.

ابوالحب در غدیریۀ خود، علی (ع) را صاحب روز غدیر، جانشین پیامبر (ص)، داماد پیامبر (ص)، همسر بتول، پدر مجتبی (ع)، برگزیده خدا از میان بندگان، بهترین وزیر، سازنده و یاور دین، برگزیده پیامبر (ص) در روز غدیر، صاحب پیمانی بی‌نظیر، سرپرست مردم، برادر و یاور پیامبر (ص)، جانشین، زیارت‌شونده، کفایت‌کننده، پایان‌دهنده به سختی‌ها، اندوخته روز قیامت مسلمانان، میعادگاه، شفاعت‌کننده، بخشنده نیکویی‌های بسیار، دریای بی‌کران علم، ابوالحسن (کنیه علی (ع))، سید پیروی‌شونده، تابناک چون ماه درخشان، حمایت‌کننده شرع، غار و پناهگاه همگان، یار ضعیف و یاور فقیر توصیف کرده است. وصف‌های ابوالحب نیز شامل این محورهای کلی است: داشتن روابط خویشاوندی محکم با

پیامبر(ص) و نزدیک بودن به او بیش از هر شخص دیگر، داشتن جایگاه والا، پشتیبانی از دین و مردم.

گلپایگانی در شعر خود، حضرت را به پناهگاه، جلوه‌گاه خداوند در عالم هستی، دارنده قدرت معبود، بخششگر، برادر و همزاد پیامبر(ص)، صاحب شأن والا، عین الله، شریک صبح، رهبر کاروان تاریخ وصف کرده است. این وصف‌ها نیز بر جایگاه امام علی(ع) و داشتن صفات بی نظیر در ایشان تمرکز دارند.

اوصاف امام در شعر وائلی نیز عبارتند از: صاحب فضایل فراتر از درک همگان، باعث رویش و جان‌بخشی، زیور بخش جهان، قاطع، همیشه باطراوت، جاودانگی بخش به خود جاودانگی، مولود کعبه، درهم‌شکننده مظاهر جهل و شرک در کعبه، تبدیل‌کننده شرک به توحید، از بین برنده سکوت و خفقان و تقدیم‌کننده زیباترین آهنگ به جهان هستی، حبس‌کننده شرک در قفس، تاییدشده آسمان، باعث فخر کعبه، نفس پیامبر(ص)، بدیع، صاحب غدیر با آبی گوارا، هدایتگر، پدر حسین(ع)، مبارک و طراوت‌بخش، نجات‌دهنده.

۴. نتیجه‌گیری

۱. مهم‌ترین محورهای محتوایی غدیریه‌های برگزیده عبارتند از: اشاره به حوادث تاریخی، لزوم پیروی از امام(ع)، یاری خواهی از امام(ع)، یادآوری جایگاه والای امام(ع) و امید شفاعت از ایشان. در بیان حوادث تاریخی شاعران تنها به اشاراتی بسنده کرده و از بیان جزئیات خودداری کرده‌اند. به ویژه درباره واقعه غدیر که شاید انتظار می‌رفت با تفصیل بیشتری بیان شود. از میان مضامین مطرح شده، یادآوری جایگاه والای امام(ع) از جنبه‌های گوناگون، بیشترین بسامد را دارد. گویی تبیین جایگاه برجسته آن حضرت، مهم‌ترین استدلال شاعران برای مخالفان و منکران غدیر است.

۲. هرچند همه شاعران برگزیده از چهره‌های دینی عراق به شمار می‌روند اما به فراخور ماهیت شعر، سروده‌های آنان از صبغه‌های احساسی و هیجانی تهی نیست. این ویژگی که می‌تواند نشان‌دهنده احساسات صادقانه و پورشور شاعران نسبت به اهل بیت(ع) باشد در شعر گلپایگانی و ابوالحب پررنگ‌تر از دو شاعر دیگر است به طوری که حتی در پاره‌ای موارد با غلو در آمیخته و یا رنگ و بوی شطحیات عرفانی را به‌خود می‌گیرد.

۳. همه شاعران برای بیان مقاصد خود از آیات قرآن یا احادیث نیز بهره برده‌اند.

۴. اشعار برگزیده از جهت ادبی به ویژه تصاویر شعری چندان قوی نیست. زبان شعری هر چهار شاعر ساده و روان و عواطف شاعران صادقانه است به طوری که حتی شاعری مانند گلپایگانی برای ابراز شدت عشق و ارادت خود به امام(ع)، خطر متهم شدن به شرک را نیز به جان می‌خرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیدرضا موسوی هندی (۱۳۶۲-۱۲۹۰هـ.ق): سیدرضا، از نسل سیدمحمد، از نسل سیدهاشم معروف به هندی است. سیدرضا موسوی به دلیل سفر نیاکانش به هند- در زمانی که عراق در آشفتگی سیاسی به سر می‌برد- به هندی معروف گشته است. نسب او با سی و اندی فاصله (جد)، به امام دهم می‌رسد. گاه خاندانش را به امام نقی(ع) نسبت داده‌اند و او را نقوی خوانده‌اند، گاه به امام رضا(ع) و رضوی لقب داده‌اند و گاه به امام موسی بن جعفر(ع) و او را موسوی نامیده‌اند که خاندان سیدرضا بیشتر با این لقب شناخته شده‌اند. او در کودکی از محضر بزرگانی چون میرزا محمد حسن شیرازی بهره‌برده و با آشکار شدن استعدادش، مایه شگفتی ایشان شده است. او در کنار مطالعه در علوم دینی و کسب اجازه از بزرگانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی، ذوق ادبی خود را هم پروراند تا آنجا که با نوشتن نامه‌ای به شیخ رضا اصفهانی در ۱۴ سطر که هم امکان خواندنش به نثر بود و هم به شعر، شگفتی‌آفرین شد. علاوه بر این، مهم‌ترین قصیده وی، قصیده کوثریه است که خطاب به امام علی(ع) سروده شد. او در سن ۷۲ سالگی در اثر سکت قلبی در مجلس یکی از بزرگان عرب درگذشت و پس از انتقال جنازه‌اش به نجف اشرف در مقبره خانوادگی‌شان به خاک سپرده شد. از او آثاری چون: المیزان العادل بین الحق والباطل، بلغة الراحل، الوافی فی شرح الکافی فی العروض والقوافی به جای مانده است. (تلخیص، الموسوی الهندی، ۱۴۰۶ق: ۱۳-۸)

۲. عبدالمحسن ابوالحب (۱۳۰۵- ۱۲۴۵/۱۲۲۵هـ.ق): وی، متولد کربلا و پسر حاج محمد معروف به ابوالحب از خاندانی عربی از قبیله خثعم است که از قرن دوازدهم هجری به قصد آموختن علوم دینی و ادبی از حویزه به کربلا سفر کردند و در آنجا ساکن شدند. او که در شعر و خطابه به شهرت رسیده بود، ملقب به ابوالحب شد و این لقب تا امروز برای خانواده‌اش در کربلا باقی مانده است. گفته شده است، سبب این نامگذاری کنار آمدن شاعر با بیماری خود بوده که از سرفه‌های شدید رنج می‌برده است و پزشک معالج او، این لقب را به وی داده بوده است که البته عده‌ای آن را غیرواقعی می‌دانند. البته آنچه در مورد شاعر اهمیت دارد، نام و شهرت وی نیست بلکه دستاوردهای وی در شعر و خطبه است. شیخ محسن دیوانی بزرگ دارد که تعداد ابیاتش به ۳۰۰۰ بیت می‌رسد و بیشتر موضوعات آن شامل مدح و رثای اهل بیت(ع) است. او بیش از

غدیر در آئینه شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۳۹

هرچیزی به خاطر شعرهایی که برای امام حسین (ع) سروده به شهرت رسیده است و از شاعران ادبیات عاشورایی به شمار می رود. (تلخیص، ابوالحب، بی تا: ۷ و ۸؛ عباس العییدی، ۱۳۵۱ ش: ۲۹۲-۲۸۹)

۳. **شیخ احمد وائلی (۲۰۰۳-۱۹۲۸م):** او احمد پسر شیخ حسون پسر شیخ سعید پسر شیخ حمود لیثی وائلی و روحانی، خطیب و شاعر عراقی است که دکترای خود را از دانشگاه ازهر مصر دریافت کرد. وائلی از محضر استادانی چون سید ابوالقاسم خوبی، سید محسن حکیم، محمد باقر صدر، سید محمد تقی حکیم، علی کاشف الغطا، محمد رضا مظفر بهره برد و از ۱۴ سالگی بر منبر رفت و مشهورترین روضه خوان شیعه عصر حاضر شد. سبک علمی او در روضه خوانی هایش که برگرفته از تحصیلات دانشگاهی او بود، بیش از هر چیزی دیگری توجه همگان را به خود جلب کرده است. وائلی با شعر خود مسائل سیاسی و اجتماعی زمانش را دنبال می کرد چنان که شعر «خواب های کاذب» را در مورد سوسیالیست ها و قصیده «رودخانه تایمز» را درباره اشغال عراق توسط انگلیس و شعر «بغداد» را درباره وضعیت آشفته عراق در زمان حکومت حزب بعث سروده است. او درباره فلسطین هم اشعاری دارد. او پس از سال ۱۹۷۸م از عراق گریخت و مدت ۲۳ سال را در سوریه، ایران، کشورهای خلیج فارس و اروپا به سربرد و سرانجام در سال ۲۰۰۳م پس از سقوط حکومت صدام به عراق بازگشت اما پس از ۱۰ روز از دنیارفت و در کنار آرامگاه کمیل بن زیاد به خاک سپرده شد. از او کتاب هایی چون: هویه التشیع، دیوان اشعار، دفاع عن الحقیقة و ۵ کتاب دیگر باقی مانده است. (تلخیص، وائلی، ۲۰۰۷م: ۳۹-۷؛ محمود سلمان، بی تا: ۴-۱)

۴. **آیه الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی (۱۳۷۹-۱۲۹۵ هـ ق):** وی فرزند آیه الله سید جمال الدین گلپایگانی و از نوادگان ابراهیم مجاب است که خود نوه امام موسی کاظم (ع) است. او در نجف اشرف متولد شد و از محضر استادانی چون آیه الله ضیاء الدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و پدرش بهره برد و به درجه اجتهاد رسید. گلپایگانی طبع شعر نیز داشت و دیوان او با عنوان «مع النبی وآله» در سال ۱۴۰۶ هـ ق در قم به چاپ رسید. از مهم ترین قصاید این دیوان، قصیده مشهور «بنت الخلود» است که آن را به مناسبت میلاد دختر پیامبر (ص) سروده است و در آن بیش از هر چیز به مقام والای حضرت زهرا (س) اشاره کرده است. گلپایگانی در سال ۱۳۷۹ ق دار فانی را وداع گفت و در وادی السلام در کنار پدر به خاک سپرده شد. علاوه بر دیوان شعر او می توان به دیگر کتاب هایش از جمله: اخلاق در قرآن کریم، حاشیه بر مطول تفتازانی، اصول فقه و بسیاری آثاری دیگر اشاره کرد که برخی از آنها تاکنون به چاپ نرسیده اند. (<http://kosanameh.com>)

۵. و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند، و نیرنگ می زدند، و خدا تدبیر می کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.

۶. و گفته شد: «ای زمین، آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن. و آب فروکاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت.» و گفته شد: «مرگ بر قوم ستمکار.

۷. پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانمان، و زنانمان و زنانمان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابوالحب، عبدالمحسن (د.ت)، **دیوان الشاعر العراقي عبدالمحسن ابوالحب**، تحقیق: سلمان هادی الطمعه، د.ط، کربلا: دارالشهید.

ابن الحجاج، مسلم (د.ت)، **الجامع الصحیح**، د.ط، ترکیه: دار الطباعة العامرة.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی ابن الحسن ابن هبة الله ابن عبدالله الشافعی (۱۹۹۶م)، **تاریخ مدینة دمشق**، چاپ اول، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.

احمدزاده، علی و خلیل پروینی (۱۳۹۵ش)، «عماد الدین نسیمی و جایگاه او در شعر شیعی ترکی»، **شبیعه‌شناسی**، س ۱۴، ش ۵۳، صص ۱۴۳-۱۷۰.

بخاری، امام أبو عبدالله محمد بن اسماعیل (۱۳۹۲ش)، **صحیح البخاری**، ترجمه: عبدالعلی نور احراری، ط ۲، تربت جام: انتشارات شیخ الإسلام أحمد جام.

الزمخشری، جار الله محمود بن عمر (۱۹۷۱م)، **الفائق فی غریب الحدیث**، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم وعلی محمد البجاوی، ج ۳، ط ۲، القاهرة: عیسی البابی الحلبي وشرکاه.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲ش)، **زبان شعر در نثر صوفیه؛ درآمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی**، تهران: سخن.

الصدوق، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه القمی (۱۳۶۲ش)، **کتاب الخصال**، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، د.ط، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة.

الطبری المکی، محب‌الدین احمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، د.ط، قاهره: مکتبة القدسی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳ش)، **تاریخ طبری یا تاریخ الرسل والملوک**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، ج ۳، تهران: اساطیر.

المرعشی التنسری، القاضی السید نورالله الحسینی (۱۴۰۹ق)، **إحقاق الحق وإزهاق الباطل**، تعلیق: آية الله السيد شهاب‌الدین النجفی، بدون چاپ، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله مرعشی نجفی.

غدیر در آیینة شعر آیینی عراق با تکیه بر اشعار سیدرضا موسوی ... ۱۴۱

المجلسی، محمد باقر (۲۰۰۸م)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۵، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

الموسوی الهندی، السیدرضا (۱۴۰۶ق)، دیوان، تعلیق: السید عبدالصاحب الموسوی، د.ط، قاهره: مصر الجديدة.

نهج البلاغة (۱۳۸۶ش)، ترجمه: حجة الإسلام محمد دشتی، ج ۱، قم: سبط النبی.

الوائلی، أحمد (۲۰۰۷م)، دیوان الوائلی، شرح و تدقیق: سمیر شیخ الأرض، ط ۱، لبنان: مؤسسة البلاغ. بی نام (۱۳۷۸ش/بهار): «کرامتی از ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع)»، مجلة كلام اسلامي، دورة شانزدهم، ش ۲۹، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

الخلیلی، جعفر (۱۴۱۴ق): «من القسم المخطوط من كتاب (هكذا عرفتهم: كيف عرفت السيد محمد جمال الهاشمي ۱۹۷۷-۱۹۱۶)»، مجلة الموسم، ش ۱۵، صص ۱۲۹-۱۴۸.

سلیمانی، کامران و تورج زینی وند (۱۳۹۲ش/بهار و تابستان): «درآمدی توصیفی-تحلیلی بر شعر دینی احمد وائلی»، مجلة ادب عربي، س ۵، ش ۱، صص ۱۰۵-۱۲۴.

عباس العبدی، مهدی و جلیل أبوالحب (۱۳۵۱ش/اسفند): «الشيخ محسن أبوالحب ۱»، مجلة العرفان، ش ۶۱۲، صص ۲۸۹-۲۹۲.

هادی آل طعمه، سلمان (۱۳۶۰ش/اردیبهشت): «شعراء كربلاء المعاصرون: الدكتور ضياء أبوالحب»، مجلة العرفان، ش ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷، صص ۷۸-۸۳.

سردبیر (۱۳۹۶/۰۲/۰۷)، ساعت ۴۰:۵۷:۲۲، «قصيدة بنت الخلود (تصحیح و ترجمه سایت: دختر جاودانگی)» از آیت الله سید محمد جمال هاشمی گلپایگانی (فرزند آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی) در مدح و مرثیة حضرت زهرا(س):

<http://kosarnameh.com/%D8%B4%D8%B9%D8%B1-%D9%88-%D8%A7%D>

دفتر آية الله شاهرودی (۱۳۹۶/۰۲/۱۴)، ساعت ۱۹:۱۵:۳۰، «باسم عبدالغدیر از آية الله السيد محمد جمال الهاشمي الكلبايكاني»:

<http://www.shahroudi.com/Portal.aspx?pid=۷۱۲۴۳&CaseID=۷۹۳۸۲>